



10.22059/jis.2022.342191.1118

Research Paper

The structure of verbal communication in modern Iranian society

Hamid Khanian^{1✉}

1. Assistant Professor, Department of Language and Literature, Ilam branch, Iran Islamic Azad University, Ilam, Iran. Email: Hkh62712@gmail.com

Article Info.

Abstract

Received:
2022/06/05

Accepted:
2022/08/15

Keywords:

Politeness strategies, verbal exchange, face, positive Politeness, negativ Politenesse.

An effective and useful communication requires an expression that has a proper structure so that it does not threaten the dignity of the participants, and the strategies of Politeness in verbal exchanges are to establish a useful and effective communication by preserving the image of the participants and not threatening the reputation of the speaker and audience; However, contrary to the usual global practice in which the process of democratization of relations, reduction and elimination of differences between the level of participants and the tendency to equality and level, has prevailed, in our society today, it is observed that in some verbal interactions; Consciously or unconsciously, polite expressions, terms and words have been used too much of necessity and necessity, which in addition to violating Grace's "principle of quantity" and threatening the speaker's face, this assumption can also be considered probable. Which is for the purpose of flattery. However, for any purpose, the structure is inappropriate and speakers need to be both aware and have the right verbal communication skills to speak correctly, consciously and artistically in their verbal interactions and their speech has a structural balance, for this purpose in this article In addition to citing the results of the findings of other researchers in this field, in order to achieve a suitable and preferred structure, the conversations of the book "Tales of Amir Ali 1" which has 28 parts and 30 stories modern have been studied and while finding several related examples, and mentioning some One of them in a suitable place in the text of this article, based on the theory of Brown and Levinson Politeness and its , faces and indicators and capacities of pronouns, verbs and broad terms of Persian language and review and analysis of all data in a descriptive-analytical method for this question. What is the structure of polite and flattering expressions in verbal exchanges? And other possible questions related to the position have been answered appropriately and new tricks have been proposed that are unprecedented. That is, it is an innovative and new solution.

How To Cite: Khanian, Hamid (2023). The structure of verbal communication in modern Iranian society. *Journal of Iranian Studies*, 13 (2), 37-52.

Publisher: University of Tehran Press.





فصلنامه پژوهش‌های ایران‌شناسی

دوره ۱۳، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۲، ۳۷-۵۲



مقاله علمی - پژوهشی

ساختار ارتباط کلامی جامعه امروزی ایران

حمید خانیان ✉

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران. رایانامه: Hkh62712@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۵	ارتباط مؤثر و مفید نیازمند بیانی است که ساختاری مناسب داشته باشد، به گونه‌ای که حیثیت مشارکان را تهدید نکند، اما در پاره‌ای از تبادلات کلامی امروزی جامعه ما، ساخت‌هایی ملاحظه می‌شود که گوینده، آگاهانه یا ناآگاهانه، با پایین آوردن سطح خود و تهدید حیثیتش، بیش از حد سطح مخاطب را بالا می‌برد. در مقاله حاضر که به روش توصیفی - تحلیلی نوشته شده است، با هدف ارائه ساختاری مناسب برای گزاره‌های بیانی زبان فارسی، طبق نظریه براون و لوینسون، علاوه بر اینکه تعدادی از مکالمات امروزی واکاوی شده، با استفاده از ظرفیت ضمائر و اسامی و افعال و اصطلاحات وسیع زبان فارسی، سعی شده ساختارهای بهنجار و نابهنجار زبان فارسی معرفی شود و همچنین محک و میزانی برای تشخیص آن‌ها به دست داده شود که تا کنون سابقه نداشته است؛ یعنی به زعم نویسنده مقاله، راهکاری ابتکاری و جدید داده شده است.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۴	
واژه‌های کلیدی: راهبردهای ادب، تبادلات کلامی، وجهه ادب مثبت، ادب منفی، براون و لوینسون.	
استناد به این مقاله: خانیان، حمید (۱۴۰۲). ساختار ارتباط کلامی جامعه امروزی ایران. فصلنامه پژوهش‌های ایران‌شناسی، ۱۳ (۲)، ۳۷-۵۲.	



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

مقدمه

راهبردهای ادب در تبادلات کلامی برای این است که با حفظ وجهه مشارکان، ارتباطی مفید و مؤثر برقرار شود؛ به عبارت دیگر، وجهه گوینده و مخاطب تهدید نشود. با وجود این، برخلاف توصیه و تأکیدهای فرهنگ غنی اسلام و روال معمول جهانی که در فرایند روابط، گفتار به هم‌سطحی و برابری افراد گرایش دارد، در جامعه امروزی کشور ما، ملاحظه می‌شود در پاره‌ای از تعاملات کلامی، عبارات و اصطلاحات و واژگان مؤدبانه، بیش از حد نیاز و ضرورت به کار رفته‌است و باعث شده علاوه بر اینکه ناقص «اصل کمیت» گرایس^۱ و تهدید حیثیت و اعتبار (وجهه) گوینده است، این احتمال را به ذهن متبادر سازد که هدف از بیان آن، تملق و چاپلوسی است. در مقاله‌ای از درکیچ (۱۳۸۶: ۲۸) آمده احترامی که از حد هنجار بالاتر رود، ممکن است نشانه آزادنیشی فرادست و چاپلوسی و تملق فرودست تلقی شود. به قول سعدی (۱۳۹۷: ۷) باید گفت: «گدا گر تواضع کند خوی اوست/ تواضع ز گردن فرازان نکوست». به‌هرحال استفاده از الفاظ و عباراتی که تهدیدگر وجهه هستند، به هر منظوری که باشد، ساختاری نامناسب است و سخنگویان جامعه ما باید هم آگاه شوند و هم مهارت ارتباط کلامی درست کسب کنند تا در تعاملات کلامی‌شان درست و آگاهانه و هنرمندانه سخن گویند و کلامشان تعادل ساختاری داشته باشد. برای این منظور در مقاله حاضر با هدف دستیابی به ساختاری مناسب و ارجح، علاوه بر استناد به نتایج یافته‌های سایر پژوهشگران، مکالمات کتاب *قصه‌های امیرعلی* ۱ (نبویان، ۱۳۹۱) که ۲۸ قسمت و ۳۰ قصه امروزی است، واکاوی و نمونه‌های مرتبط، انتخاب و در جایگاه مناسب در متن مقاله آورده شد. تلاش نویسندگان این بوده که بر بنیاد نظریه ادب براون و لوینسون و راهبردهای آن و مؤلفه‌های زبان فارسی، به روش توصیفی - تحلیلی، داده‌ها کاویده شود. در ضمن، برای این پرسش که در تبادلات کلامی، ساختار مؤدبانه و متملقانه چگونه است و دیگر پرسش‌های مرتبط با موضوع، پاسخ مناسبی یافته و راهکارهای جدیدی به دست داده شود.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های زیادی در خارج و داخل کشور در حوزه روابط کلامی و بیان‌های مؤدبانه بر مبنای نظریه براون و لوینسون انجام گرفته که در ادامه بعضی از آن‌ها را که مناسبت بیشتری با موضوع مقاله دارد، آورده‌ایم، اما با جست‌وجو در آثار و مقالات و سامانه‌های دانشگاهی و تخصصی، پژوهشی که به مقوله ساختار بیان‌های مؤدبانه پرداخته باشد، نیافتیم.

۱. پل گرایس، فیلسوف انگلیسی معاصر است که ضمن طرح «اصل تعاون»، چهار مقوله را ذیل آن اصل، از یکدیگر متمایز می‌سازد: کمیت، کیفیت، شیوه، ربط (یول، ۱۳۸۵: ۸۰).

شرف‌زاده و بنی‌زمانی (۱۳۹۷) کاربرد راهبردهای ادب دبیران ایرانی را در موقعیت کنش‌گفتار «پیشنهاد» براساس الگوی ادب براون و لوینسون بررسی‌ده‌اند. در این پژوهش، سه متغیر جنس و سن و قدرت منظور بوده و سعی شده راهبردها و فراراهبردهای ادب دبیران در موقعیت کنش پیشنهاد بررسی شود. برای این هدف، داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه تکمیلی گفتمان گرد آمده و با پنج پرسش از جامعه آماری خواسته شده که به شش مخاطب مختلف با قدرت اجتماعی بیشتر یا کمتر یا برابر، موضوعی را پیشنهاد دهند. داده‌های به‌دست‌آمده از شرکت‌کنندگان نشان‌دهنده تأثیر هر سه متغیر تحقیق در ایجاد تفاوت معنادار در استفاده از فراراهبردهای ادب در موقعیت کنش‌گفتاری پیشنهاد است و فقط متغیر سن در موقعیت قدرت برابر و نیز در بین مردان، تفاوت معناداری را نشان نمی‌دهد.

محمد رضا طوسی نصرآبادی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله «ادب زبانی در متون تعلیمی امام محمد غزالی»، ادب‌مندی را در نصیحه الملوك و کیمیای سعادت تحلیل کرده‌اند و با اتخاذ رویکرد زبان‌شناسی اجتماعی و روش تحلیل محتوا و اصول ادب براون و لوینسون، قصد بازنمود ادب زبانی در متون مذکور را داشته‌اند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که متون تعلیمی غزالی بیشتر بر کاربرد ادب مثبت تأکید دارد که بیانگر ترویج همدردی و همراهی در این متون است و بر مدیریت وجهه فرد دیگر استوار است. سخن پایانی طوسی نصرآبادی و همکارانش این است که مدل براون و لوینسون فقط مبتنی بر الگوی فردمحوری غربی است و با فرهنگ جمع‌گرای ایرانی که بر ارزش‌های جمع و اجتماع تأکید می‌ورزد در برخی موارد ناسازگار است و نیز مفهوم ادب، جهانی نیست و در هر فرهنگی خاص آن فرهنگ است و ارائه مدلی جهانی از ادب با ماهیت فرهنگ‌بنیاد ادب سازگار نیست.

آذرپرند (۱۳۹۸) در مقاله «تغییرات راهبرد زبانی خطاب براساس نظریه ادب براون و لوینسون بین استادان و دانشجویان ایرانی»، صورت‌های میدانی خطاب را در چهار نوع کنش زبانی در محیط دانشگاه تهران (دویست استاد با رده سنی ۲۹-۶۹ به‌عنوان دانشجویان نسل قبل و دویست دانشجوی دوره کارشناسی دانشگاه تهران با رده سنی ۱۸-۲۵ سال به‌عنوان دانشجویان نسل حاضر) بررسی‌ده‌اند. نتایج به‌دست‌آمده نشانگر این است که در مقایسه با گذشته، در فضای نسبتاً رسمی دانشگاه، ادب مثبت به تدریج در حال افزایش و پیشی گرفتن از ادب منفی در کنش‌های زبانی خطاب است.

علاوه بر موارد مذکور، پنج پژوهش زیر نیز به‌طور کلی به نتایج مشابهی رسیده‌اند و یافته‌های آن‌ها بیانگر این است که قدرت مخاطب در انتخاب نوع و تعداد راهبردهای ادب مؤثر بوده‌است (آهنگر و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۷). این پژوهش‌ها عبارت‌اند از: «کنش‌گفتاری درخواست» نوشته عموعلی‌اکبری (۱۳۸۵)، «کنش‌گفتاری عذرخواهی و رد کردن» نوشته زینلی دستوئی (۱۳۹۰)، «کنش‌گفتاری مخالفت» نوشته نیرومند (۲۰۱۲)، «کنش‌گفتاری مخالفت» نوشته حیدری و همکاران (۲۰۱۵)، «نگاهی به قدرت و جنسیت از منظر ادب و بی‌ادبی» نوشته رحمانی (۱۳۹۷).

هینکل (۱۹۹۷) در پژوهشی درک شرکت کنندگان را از نصیحت کردن در زبان انگلیسی بررسی کرده است. یافته‌های او نشان می‌دهد گویشوران غیربومی، گزینه‌های نصیحت صریح و نصیحت نشانگر احتیاط را بیشتر از گویشوران بومی انتخاب می‌کنند و این مطابق با فرضیه‌های نظری است. با وجود این گویشوران بومی نصیحت صریح و غیرصریح را به مراتب بیش از گویشوران غیربومی ترجیح می‌دهند. نقطه قوت این پژوهش در نظر گرفتن متغیر فرهنگ است که می‌تواند در بررسی کنش گفتارها بسیار تعیین کننده باشد.

بوردیریا - گارشیا (۲۰۰۶) تفاوت‌های بین فرهنگی را در تولید و درک نصیحت کردن ارزیابی کرده‌اند. هدف اصلی پژوهش آنان این بوده که آیا دانشجویان زبان اسپانیایی به عنوان یک زبان خارجی با سه سطح مهارت، دانش کاربردشناختی مورد نیاز برای نصیحت کردن را گسترش می‌دهند یا نه. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد تفاوت معناداری در درک روش‌های صریح و غیرصریح نصیحت کردن در گویشوران بومی اسپانیایی و گویشوران بومی انگلیسی وجود ندارد. با این حال، گویشوران انگلیسی در گفت و گوهای شفاهی با گویشوران اسپانیایی متفاوت عمل می‌کنند و راهبردهای صریح نصیحت کردن را بیشتر به کار می‌برند. دلیل این تفاوت بین گویشوران انگلیسی و گویشوران بومی اسپانیایی، انتقال کاربرد شناختی از زبان مادری دانشجویان انگلیسی است. ویژگی مثبت این پژوهش، در نظر گرفتن تفاوت‌های فرهنگی و علاوه بر این، استفاده از پرسش‌نامه محقق ساخته متناسب با اهداف پژوهش است.

الشبول و زارعی (۲۰۱۳) به بررسی درک کنش گفتار نصیحت کردن در زبان انگلیسی در بین خانم‌ها و آقایان ایرانی فارسی‌زبان پرداخته‌اند که در حال یادگیری زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم بوده‌اند. جامعه آماری پژوهش، چهل دانشجوی تحصیلات تکمیلی ایرانی در حال یادگیری زبان انگلیسی بوده است. داده‌های پژوهش از طریق پرسش‌نامه چندگزینه‌ای هینکل گردآوری شده که شامل مجموعه‌ای از سؤالات درباره نصیحت کردن دوست و نصیحت کردن مربی است. در این پژوهش، دو موقعیت متفاوت برای زبان‌آموزان در نظر گرفته شده: موقعیت اجتماعی یکسان (موقعیت زبان‌آموز و دوست) و موقعیت اجتماعی بالاتر (موقعیت زبان‌آموز و مربی). با توجه به نتایج پژوهش، زبان‌آموزان در نوع نصیحتی که به کار می‌برند، متفاوت‌اند. زبان‌آموزان مرد در هر دو موقعیت (دوست و مربی) نصیحت غیرصریح را به کار می‌برند، اما زبان‌آموزان زن در هر دو موقعیت (دوست و مربی) نصیحت صریح را انتخاب می‌کنند. براساس این پژوهش، زبان‌آموزان فارسی‌زبان ایرانی باید راهبردهای مکالمه زبان انگلیسی خود را تقویت بخشند

فراشپان و موتاسامی (۲۰۱۶) راهبردهای نصیحت کردن دانشجویان تحصیلات تکمیلی مالزیایی را در موقعیت‌های متفاوت مطالعه کردند. به علاوه، تأثیرات عوامل موقعیتی مانند فاصله اجتماعی و قدرت و اجبار بر انتخاب راهبردهای نصیحت کردن را بررسی‌دند. هدف دیگر این پژوهش، طبقه‌بندی مشکلاتی

بود که دانشجویان هنگام تولید کنش گفتاری نصیحت کردن در زبان انگلیسی با آن مواجه می‌شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد شرکت‌کنندگان تمایل دارند از راهبردهای صریح برای نصیحت کردن استفاده کنند و عوامل موقعیتی مانند قدرت و فاصله اجتماعی و اجبار، بر انتخاب راهبردهای دانشجویان تأثیری ندارد و آنان راهبردهای یکسانی را در موقعیت‌های متفاوت به کار می‌برند.

آهنگر و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «تأثیر قدرت مخاطب بر گزینش راهبردهای ادب در کنش گفتاری نصیحت کردن در زبان فارسی» نشان داده‌اند که قدرت مخاطب بر نوع و تعداد راهبردهای نصیحت کردن در زبان دانشجویان پسر و دختر تأثیر دارد. رایج‌ترین راهبرد در مقابل همه مخاطبان، راهبردهای ادب سلبی و رایج‌ترین راهبرد از لحاظ تعداد در مقابل مخاطب با قدرت بالاتر، راهبرد ترکیبی سه‌تایی و در مقابل مخاطب با قدرت یکسان و پایین‌تر، راهبرد ترکیبی دوتایی است.

رحمانی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر قدرت و جنسیت بر میزان استراتژی‌های ادب و بی‌ادبی در گفت‌وگوهای کلیدی از ده رمان برگزیده نوجوانان فارسی‌زبان»، نشان داده شخصیت‌های قدرتمند در برخورد با شخصیت‌های ضعیف در حالی از راهبردهای ادب کمتری استفاده می‌کنند که ادب بیشتری را از شخصیت‌های ضعیف دریافته‌اند. به بیان دیگر، قدرت و ادب رابطه معکوسی با هم دارند؛ هرچه قدرت شخصیت‌ها بیشتر باشد، ادب کمتری دارند و هرچه شخصیتی ضعیف باشد، احتمالاً در رفتارهای کلامی خود از راهبردهای ادبی بیشتری بهره می‌گیرند. به علاوه، شخصیت‌های قدرتمند در برخورد با شخصیت‌های ضعیف از تعداد بسیار زیادی راهبرد بی‌ادبی استفاده می‌کنند، اما شخصیت‌های ضعیف از تعداد راهبردهای بی‌ادبی بسیار کمی استفاده می‌کنند؛ در نتیجه، قدرت و بی‌ادبی رابطه مستقیمی با هم دارند. این پژوهش نشان می‌دهد شخصیت‌های زن در برخورد با شخصیت‌های مرد از راهبردهای ادب بیشتری استفاده می‌کنند و نیز اینکه شخصیت‌های زن در برخورد با شخصیت‌های مرد از تعداد راهبردهای بی‌ادبی کمتری استفاده می‌کنند و این شخصیت‌های مرد هستند که از راهبردهای بی‌ادبی بیشتری در برخورد با شخصیت‌های زن استفاده می‌کنند.

مبانی نظری

مطالعات نوین زبان‌شناسی در واقع مطالعه نظام ارتباطی میان انسان‌هاست و کاربردشناسی نیز مطالعه زبان از دیدگاه کاربران آن است، به‌ویژه درباره انتخاب‌هایی که انجام می‌دهند یا محدودیت‌هایی که در تعاملات اجتماعی در استفاده از زبان با آن مواجه هستند و همچنین تأثیراتی که زبان بر مخاطب می‌گذارد. طرفین گفت‌وگو باید برای انتخاب اشکال مناسب زبانی، آگاهی کافی داشته باشند. مهارت نداشتن در به‌کارگیری شکل‌های زبانی مناسب، به شکست ارتباط زبانی با مخاطب منجر می‌شود و

حیثیت و وجهه گوینده تهدید می شود؛ بنابراین مقوله‌ای چون اصل ادب و نیاز به حفظ وجهه، مورد توجه قرار می گیرد (شرفزاده و بنی‌زمانی، ۱۳۹۷: ۶۳).

لویسون (۱۹۷۵) مکالمه را یک نوع صحبت و گفت‌وگو تعریف کرده که در آن دو یا چند سخنگو آزادانه و به نوبت در موقعیت‌های ویژه شرکت می‌کنند. تحلیل مکالمه، مطالعه تعاملاتی است که برای ایجاد ارتباط صورت می‌گیرد. مکالمه براساس مجموعه‌ای از اصول و قواعدی در بیان پیش می‌رود که تعیین‌کننده صورت‌های متفاوت گفتار است. تخطی از این قواعد و اصول، به هر دلیلی، ممکن است ارتباط و تعامل دو طرف را دچار مشکل سازد یا منجر به ابهام شود. با توجه به این موضوع، اصل همکاری و ادب باید به عنوان دو اصل مهم در مسیر مکالمه مورد توجه قرار گیرد.

گافمن (۱۹۶۷) برای اولین بار عنوان «وجهه» را به کار برد و این‌گونه توصیفش کرد: ارزش اجتماعی مثبت که فرد به‌طور مؤثر آن را برای خود می‌خواهد و دیگران می‌دانند که این ارزش اجتماعی در طی ارتباط خاص به دست آمده‌است. وجهه، تصویری از خود است که با برخی رفتارهای اجتماعی پذیرفته شده در ارتباط است؛ این تصویر از خود که دیگران به فرد می‌دهند، مبتنی بر بروز رفتارهای درست از خود در جامعه است (همان: ۳۰۶). براون و لویسون به تبعیت از گافمن، وجهه را خودانگاره عمومی‌ای تعریف کرده‌اند که هر عضو جامعه برای خود قائل است؛ بنابراین برای هر فرد دو وجهه را برمی‌شمارند: وجهه منفی و وجهه مثبت. مراد از وجهه منفی میل فرد به آزادی عمل در اجتماع و بیزاری از تحمیل است و منظور از وجهه مثبت میل فرد به تأیید شدن و دوست داشته شدن و پذیرفته شدن در جایگاه عضوی از گروه و جامعه است (براون و لویسون، ۱۹۸۷: ۶۱).

اوستین، فیلسوف انگلیسی، اولین کسی بود که به نقش‌های فعل و به تبع آن جملات، در گفتار اشاره کرد. به گفته او، فعل در بسیاری موارد، فقط مبادله اطلاعات نمی‌کند، بلکه معادل است با خود عمل؛ برای نمونه، وقتی شخص می‌گوید «معذرت می‌خواهم» یا «قول می‌دهم»، فعل بلافاصله یک واقعیت روانی یا اجتماعی را می‌رساند. عمل عذرخواهی درست موقعی به وقوع می‌پیوندد که شخص «معذرت می‌خواهم» را به زبان می‌آورد، نه قبل از آن. در چنین مواردی، گفتن برابر با کنش است و گوینده با بر زبان آوردن جمله، کاری را انجام می‌دهد. اوستین این فعل‌ها را کنشی می‌نامد. اهمیت نظریه کنشی زبان، افزودن بُعد جدید اوضاع اجتماعی و محیطی به مطالعات زبانی است و این بُعد، عمده‌ترین ره‌آورد نظریه کنشی زبان به سخن‌کاوی محسوب می‌شود (کشوردوست، ۱۳۹۲: ۱۳۵).

کنش گفتاری به عملی گفته می‌شود که در نتیجه یک گفته عمدی رخ می‌دهد. زمانی که گفته‌ای تحریک‌آمیز و عمدی بیان می‌شود به قصد اینکه جریان یا کنشی به راه بیفتد، در واقع باز هم از کنش گفتاری صحبت می‌کنیم. از نمونه‌های دیگر کنش گفتاری می‌توان سلام کردن، پوزش‌خواهی، توصیف یک چیز، پرسیدن، دستور دادن، قول دادن، پیشنهاد دادن را نام برد (شرفزاده و بنی‌زمانی، ۱۳۹۷: ۶۳).

تانک می‌گوید سخنگویان زبان، کنش‌گفتارهای مختلفی را برای رسیدن به اهداف ارتباطی‌شان به کار می‌گیرند که می‌تواند منطبق بر دسته‌بندی سرل باشد و کنش‌گفتارهای اعلامی، ترغیبی، عاطفی، توصیفی، تعهدی را در بر گیرد، یا می‌تواند شامل کنش‌گفتارهای خاص‌تری مانند عذرخواهی، درخواست، رد درخواست یا پیشنهاد باشد. طبق نظر اشمیت و ریچاردز، کنش‌گفتارها شامل همهٔ اعمالی است که هنگام صحبت کردن انجام می‌دهیم و مهم‌ترین کار آن‌ها کمک به توجیه توانش ارتباطی است، آن‌ها کنش‌گفتارهای کاربردی مثل دعوت و رد پیشنهاد و عذرخواهی را از عناصر اصلی توانش ارتباطی تلقی می‌کنند (خدایی‌مقدم و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۸).

براون و لوینسون بر این نظرند که بعضی کنش‌گفتارها ذاتاً وجهه را تهدید می‌کنند و شامل کنش‌هایی می‌شوند که به‌طور فطری برخلاف خواسته‌های وجههٔ مخاطب یا سخنگو هستند و آن‌ها را کنش‌های تهدیدکنندهٔ وجهه می‌نامند. کنش‌های تهدیدگر وجهه شامل اعمال کنش‌های گفتاری‌اند که مخاطب را وادار می‌سازند عملی را انجام دهد که در شرایط معمول سودی برایش ندارد (واتس، ۲۰۰۳: ۸۷).

به‌طور کلی کنش‌های تهدیدگر وجهه ممکن است براساس تهدید مورد نظر متفاوت باشند؛ بعضی از آن‌ها ممکن است وجههٔ منفی شنونده را تهدید کنند مانند تقاضا و دستور، و برخی ممکن است وجههٔ مثبت شنونده را تهدید کنند مانند مخالفت و انتقاد و توهین و لاف زدن. علاوه بر این‌ها، کنش‌های تهدیدگری هم وجود دارند که وجههٔ خود سخنگو را تهدید می‌کنند مانند کنش‌های تشکر و پذیرش و پیشنهاد و قول دادن‌های ناخواسته که تهدیدگر وجههٔ منفی‌اند و کنش‌های عذرخواهی و اعتراف یا اقرار به عمل که تهدیدگر وجههٔ مثبت سخنگو هستند (براون و لوینسون، ۱۹۸۷: ۶۸-۶۵).

راهبردهای ادب «شامل بیان یا انجام کار صحیح به طریق صحیح و در زمان صحیح و صدمه نزدن به احساسات یا عزت نفس دیگری است» (اگوساکول، ۲۰۰۵: ۱۲۰). راهبردهای ادب عبارت‌اند از: راهبردهایی که یا به تأیید و تقویت وجههٔ مثبت مخاطب منجر می‌شوند و ادب مثبت نام دارند یا از تجاوز به حریم و آزادی عمل مخاطب و تحمیل به وی پرهیز می‌کنند و ادب منفی نامیده می‌شوند (واتس، ۲۰۰۳: ۱۲). براون و لوینسون راهبردهای ادب را به مستقیم، غیرمستقیم، ادب مثبت، ادب منفی تقسیم کرده‌اند و گاهی برای بیان درخواست مستقیم چیزی از کسی، به منظور تلطیف درخواست و کاهش شدت تحمیل به دیگران، این درخواست‌ها با عباراتی مثل «لطفاً» و «بی‌زحمت» همراه می‌شوند که به آن‌ها ابزارهای تلطیفی می‌گویند (یول، ۱۳۸۵: ۸۶ و ۱۶۴).

در بیان عامه، مؤدب بودن با تعاریفی از قبیل بافرهنگ بودن و رفتار درست داشتن یا توجه به احساسات دیگران تعریف می‌شود. ادب از دید علمی به این اشاره دارد که چه چیزی رفتار زبانی مؤدبانه را تشکیل می‌دهد. این رفتار ممکن است بین مشارکان در تعامل و فرهنگ‌های مختلف متفاوت باشد. مردم در فرهنگ‌های مختلف نگاه‌های متفاوتی به ادب دارند؛ برای نمونه، یونانی‌ها ادب را با بیان صمیمیت

یکی می‌دانند، درحالی که انگلیسی‌ها ادب را حفظ فاصله اجتماعی می‌پندارند (سیفیانو، ۱۹۹۲: ۱۰). مؤدب بودن در دیدگاه برخی پژوهشگران به «انطباق با نشانه‌های اجتماعی توافق‌پذیر با رفتار خوب» تعریف شده‌است (نوویه، ۱۹۹۲: ۳۱۰).

استفاده از عبارات احترام‌آمیز بین گویندگان زبان فارسی به‌عنوان یک ویژگی مقبول اجتماعی، جایگاه خاص خود را دارد. درعین حال استفاده از صورت‌های بدون نشانه احترام هم دیده می‌شود، ولی نشان دادن درجه‌ای از احترام از سوی بالادست هم قابل درک است و در کنش‌های گفتاری متعددی ملاحظه می‌شود که نشانه چیزی متفاوت از سلطه و قدرت است که چه‌بسا بیان‌کننده شخصیت آزاداندیش فرد باشد (درکیچ، ۱۳۸۶: ۲۸).

بحث و بررسی (توصیف و تحلیل)

در هر نوع تبادل گفتاری، در آنچه سخنگویان می‌گویند، تنوع زیادی وجود دارد. برای توصیف این گوناگونی باید بعضی از معیارها را مشخص سازیم و بدانیم که نقش و روابط آن‌ها با هم چگونه است. این عوامل بر مطلبی که گفته می‌شود و چگونگی گفته شدن آن اثر می‌گذارد (یول، ۱۳۸۵: ۱۵۹). اینوئوئه درباره دلایل کاهش کاربرد بیان‌های مؤدبانه در زبان ژاپنی اظهارنظری دارد که می‌توان گفت درباره دیگر زبان‌ها و زبان فارسی هم صدق می‌کند. وی معتقد است هر شخصی با هر جایگاه اجتماعی، در درون خود نهایتاً دوست دارد دیگران تشویقش کنند و دیگران با او صمیمی باشند و این از روح مشترک انسانی نشئت می‌گیرد. برای رسیدن به این منظور افراد دوست دارند به‌جای مورد خطاب قرار گرفتن با بیان‌های مؤدبانه خشک که بیشتر نشان از نبود صمیمیت است، با بیان‌هایی که نشان از نزدیکی دیگران به خود است، خطاب شوند. خطاب با اسم کوچک، پرهیز از بیان‌های محترمانه یا فروتنانه خشک و بی‌روح، از جمله این راهبردهای زبانی است (آذرپرند، ۱۳۹۸: ۹۵). مدرسی تهرانی (۱۳۸۶: ۳۲۴) می‌گوید: «تحولات درونی جامعه (مانند دمکراتیزه شدن روابط فردی و اجتماعی، هنجارشکنی و سست‌تر شدن روابط سنتی) و بیرونی (تأثیرپذیری از فرهنگ غربی) را باید از جمله مهم‌ترین عوامل در تحول کلامی به شمار آورد». برابری حقوق اجتماعی، تفاوت سطح مشارکان را از بین می‌برد و احساس هم‌سطحی و برابر بودن در مشارکان ایجاد می‌کند. اینوئوئه دلیل دیگر کاهش کاربرد بیان‌های مؤدبانه را در تغییرات اجتماعی و پدیده دمکراتیزه شدن جامعه امروزی می‌داند و می‌گوید: «تمایل جامعه امروزی بیشتر از اینکه به سمت وسوی ارتباط مافوق و زبردست باشد، به سمت ارتباط برابر و مساوی در حال تغییر است» (آذرپرند، ۱۳۹۸: ۹۵)؛ بنابراین کاربرد بیان‌های مؤدبانه هم در این راستا دستخوش تغییر شده‌است. با این توضیح، دلیل تغییرات زبانی را نه در خود زبان که در تغییرات اجتماعی باید جست‌وجو

کرد. زبان همواره منعکس‌کننده جامعه‌ای است که در آن استفاده می‌شود. اینوئوئه معتقد است: «با تغییر جوامع امروزی، استفاده از بیان‌های مؤدبانه بیشتر از اینکه بیان‌کننده احترام باشد، به ابزاری زبانی برای ایجاد و حفظ فاصله روحی - روانی با مخاطب تبدیل شده‌است. چه بسا که برای بسیاری، محترم‌ترین فرد، پدر و مادر یا فلان دوست است، اما این لزوماً به این معنی نیست که شخص هنگام صحبت با این افراد از بیان مؤدبانه استفاده می‌کند» (همان).

اصل ادب، راهبردی جهانی است که زبان ابزار و نمود گفتاری آن است؛ ادب در همه جوامع جدا از نوع و خاستگاه زبان‌ها، اصلی پذیرفته شده است. کیکوچی می‌گوید بیان‌های مؤدبانه به شکل سازماندهی شده بدون ارتباط با گروه و خانواده زبانی، عمدتاً در زبان‌های آسیایی از جمله ژاپنی، کره‌ای، تایلندی، هندی، ویتنامی، جاوه‌ای به چشم می‌خورد (آذرپرند، ۱۳۹۸: ۸۸). امروزه به دلایل زیادی، تحولات و تغییرات، سرعت و شتاب بیشتری گرفته و تفاوت فرهنگی و اجتماعی به کمترین میزان نسبت به گذشته رسیده‌است (جهانی شدن فرهنگ) و به سمت فرهنگ جهانی پیش می‌رود. ارتباط کلامی هم تابعی از این قاعده است و هر طبع سلیمی تمایل به برقراری ارتباطی دارد که نه تنها حیثیت و وجهه فردی و اجتماعی او تهدید نشود، بلکه مؤثر و مفید هم باشد. همان‌طوری که تئودور لیویت، استاد دانشگاه هاروارد، گفته تمام فروش این قرن، فروش رابطه است. اهمیت این سخن در معنی آن نهفته است؛ بدین معنی که در ارتباطی که با مخاطب برقرار می‌کنید، تا چه اندازه تأثیرگذار و متقاعدکننده هستید (خانین، ۱۳۹۲: ۱). پس آگاهی و شناخت اصول و راهبردهای ارتباط کلامی و رعایت آن‌ها، از ضروریات زندگی امروزی است. ضمائر و افعال فارسی، معمولاً سه سطح دارد: سطح خنثی (در رابطه همبستگی و صمیمیت، گوینده برای خود و مخاطب استفاده می‌کند)، سطح پایین (برای فروتنی از جانب گوینده کاربرد دارد)، سطح بالا (گوینده برای مخاطب به کار می‌برد).

۱. ضمائر

اول شخص: دو ضمیر دارد: «من» برای مفرد و «ما» برای جمع. در سطح برابر از ضمیر من و ما استفاده می‌شود و از بدل‌های «این‌جانب» و «بنده» در سطح پایین استفاده می‌شود. اصطلاحات دیگری هم برای سطح پایین اول شخص مفرد استفاده می‌شود؛ مثل حقیر، دعاگو، چاکر.

قاعده کلی در نظام بیان‌های مؤدبانه این است که گوینده هر قدر هم در سطح بالایی باشد، صورت ضمیر سطح بالا برایش وجود ندارد؛ بنابراین اگر گوینده زبان فارسی نسبت به شنونده بالادست باشد، نمی‌تواند با ضمیر خاصی آن را برای خودش بیان کند. پس، ضمیر اول شخص مفرد فاقد سطح بالاست؛ یعنی فقط دو سطح برابر و پایین را دارد.

گاهی گوینده از ضمیر جمع ما به جای من استفاده می‌کند که این صورت هم بیانگر تواضع و مشارکت

مخاطب در آن عمل است و بیانی برابر است؛ گوینده با این نوع بیان، وجهه خود را تهدید می‌کند و برایش سطح پایین است، اما چون همراه مخاطبان است پس بیان مؤدبانه برابر محسوب می‌شود.

دوم شخص: برای سطح خنثی دو ضمیر دارد: «تو» برای مفرد و «شما» برای جمع. ضمیر تو بسیار پرسامد است و می‌تواند شاخص رابطه همبستگی (صمیمیت) میان سخنگو و مخاطب در یک طبقه اجتماعی باشد. در چنین مواردی، به ضمیر تو به‌عنوان ضمیر سطح خنثی نگاه می‌شود. به‌علاوه، این ضمیر در گفت‌وگوی روزمره سطح پایین هم گاهی اوقات به کار می‌رود.

تا چند سال پیش خطاب کردن مهمان برنامه‌های نسبتاً رسمی و پربیننده تلویزیونی داخلی با ضمیر دوم شخص مفرد تو نه تنها متداول نبود بلکه بی‌ادبی محسوب می‌شد، اما امروزه بر اثر تغییرات زبانی گوناگون که حاصل تغییرات فرهنگی - اجتماعی است، هم مجری و هم مهمان، به راحتی از این ضمیر در حضور بیننده‌ها استفاده می‌کنند (آذرپند، ۱۳۹۸: ۹۵).

از جمله دلایل تنش و دلخوری بعضی از افراد بزرگ‌سال، به‌خصوص معلمان و مدرسان، از رفتار کلامی نوجوانان و جوانان، به‌ویژه دانش‌آموزان و دانشجویان، استفاده آنان از ضمائر و افعال سطح خنثی است که به قصد بی‌ادبی نیست و به سبب تغییرات اجتماعی است که بیان‌های مؤدبانه نیز به تبع آن دستخوش تغییر شده‌اند.

کاربرد ضمیر شما به‌جای دوم شخص مفرد، یکی از معمول‌ترین شیوه‌های احترام است. این ضمیر در زبان فارسی نشان‌دهنده صمیمیت و همبستگی کمتر و احترام بیشتری نسبت به ضمیر توست. واژه «عالی» بین همه فارسی‌زبانان، کاربرد گسترده‌ای دارد و نشانه احترام یا گاهی اوقات سلطه است؛ مانند لطف عالی زیاد!

البته ضمیر عالی به‌ندرت در این شکل به کار می‌رود و بیشتر قبل از آن واژه‌های «جناب» یا «حضرت» قرار می‌گیرد (جناب‌عالی، حضرت‌عالی) که نشانه احترام رسمی بیشتر است. عموماً جناب و حضرت قبل از عنوان و نام برای خطاب رسمی و همراه با احترام برای مردان به کار می‌رود. برای خانم‌ها معمولاً از واژه «سرکار» استفاده می‌شود. این اصطلاحات در زبان فارسی نشان‌دهنده همبستگی کمتر و احترام رسمی بیشتری نسبت به ضمائر تو و شما هستند.

سوم شخص: ضمیر سوم شخص مفرد هر سه سطح را دارد: سطح پایین در بیان‌های مؤدبانه کاربرد ندارد. سطح خنثی: «او» یا «وی».

سطح پایین: «اون»، «این»، «یارو»، «فلانی»، «آقاهه»، «خانمه».

سطح بالا: «ایشان» برای بیان سطح بالا در زبان فارسی، به‌جای «او» می‌آید و با فعل سوم شخص جمع مطابقت می‌کند. برای ضمیر سوم شخص جمع در حالت خنثی از «آنها» یا «آنان» استفاده می‌شود.

۲. افعال

مقوله فعل در زبان فارسی برای بیان احترام تنوع زیادی دارد و حتی بیشتر از مقوله ضمیر است. افعال نیز مانند ضمایر سه سطح دارند: سطح خنثی یا برابر که می‌تواند در راهبرد ادب مستقیم برای اول و دوم و سوم شخص به کار رود. سطح پایین که به گوینده یا اول شخص برمی‌گردد. سطح بالا که معمولاً برای دوم و سوم شخص به کار می‌رود؛ برای مثال، فعل «آمدن» که سطح برابر (خنثی) است، سطح بالای آن، «تشریف آوردن» و سطح پایینش «(به) خدمت رسیدن» است.

با توجه به اینکه فعل با ضمیر رابطه مستقیم دارد، پس سطح بالای فعل فقط با سطح بالای ضمیر مطابقت می‌کند؛ مثلاً هر فارسی‌زبانی می‌داند جمله «من تشریف آوردم» نادرست است.

همان‌گونه که سطح بالای فعل با سطح بالای ضمیر مطابقت می‌کند، سطح پایین آن هم با سطح پایین ضمیر مطابقت می‌کند. پس نمی‌توان گفت شما (یا جناب‌عالی) به خدمت رسیدید؛ البته صورت‌های محترمانه و متواضعانه بسیاری از این فعل و فعل‌های دیگر پیدا می‌شود و این مثال‌ها، فقط نمونه‌هایی برای نشان دادن سطح افعال در زبان فارسی است؛ البته سخنگویان هر زبانی با استفاده از شم زبانی خود، توان تشخیص نوع ساختارها را دارند. به قول مولانا: «از قرآن بوی خدا می‌آید و از حدیث بوی مصطفی می‌آید و از کلام ما بوی ما می‌آید» (افلاکی، ۱۳۶۲: ۴۵۸). ویلیام امپسون می‌گوید نهفته‌های ذهنی انسان، بر خلاف میل او هم که باشد، در طرز بیانش جلوه دارد (شمیسا، ۱۳۷۴: ۱۹).

اکنون که ساختارهای مؤدبانه و ساختارهای متملقانه مشخص شد و می‌توان با استفاده از راهبردهای ادب براون و لوینسون، مانع از تهدید وجهه شد، لازم است میزان و درجه استفاده از عناصر مؤدبانه در سازه‌های بیانی نیز مشخص شود؛ به عبارت دیگر، کاربرد عناصر مؤدبانه در ساختار بیان تا چه حد و اندازه‌ای مؤدبانه است و بیش از آن متملقانه.

همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، اصل ادب براون و لوینسون چهار راهبرد دارد؛ این چهار راهبرد عبارت‌اند از:

۳. بیان مستقیم

در این روش، روابط معمولاً صمیمی است و غالباً همدیگر را با نام صدا می‌زنند. فعل با فاعل مطابقت دارد و اشخاص احساس تهدید وجهه نمی‌کنند و برای مخاطب به راحتی از نام یا ضمیر تو و فعل دوم شخص مفرد (عناصر خنثی) استفاده می‌کنند. این نوع ارتباط از لحاظ سطح، برابر محسوب می‌شود.

- «تو نمی‌فهمی. نمی‌بینی چه فیگوری می‌گیره، میز و صندلی‌ها رو جابه‌جا می‌کنه؟» (نویان، ۱۳۹۱: ۱۲۳).

در این نمونه، چون ارتباط صمیمی است، مخاطب احساس تهدید وجهه نمی‌کند. هم ضمایر و هم

افعال در سطح خنثی (برابر) هستند.

«آقا محمود، پسرعموی بابا، گفت: ... برادرش، آقا مسعود، ادامه داد» (همان: ۱۷).

در این نمونه، نام افراد همراه یک واژه مؤدبانه (شاخص) آمده؛ یعنی ترکیبی است و فعل هم با فاعل مطابقت دارد، پس در سطح برابرند.

همان‌گونه که پیش‌تر ذکر شد، به دلیل عوامل درونی و بیرونی، روند تبدلات کلامی در جهان و نیز در کشور ما، به سمت این نوع از بیان است که علاوه بر احساس برابری و عدم تهدید و جبهه، حس صمیمیت و همبستگی و تعاون ایجاد می‌کند و از تملق و چاپلوسی هم به دور است. پس ساختاری مناسب است و با قاطعیت می‌توان گفت در این نوع ساختار، نشانی از تملق و چاپلوسی نیست؛ ساختاری است با عبارات و ضمایر و افعال خنثی و معمولاً تک‌شاخصی.

۴. بیان به روش ادب مثبت

– «آقا محمود... گفت: عمو جان! قبولیت مبارک! ان‌شاءالله تا دکترا ادامه بدی. برادرش، آقا مسعود، ادامه داد: بله عمو! تا اون جایی که من یادمه، تو باهوش‌ترین جوون فامیل هستی. حیفه ادامه تحصیل ندی» (همان: ۱۷).
در این نمونه، گوینده از ضمایر و افعال خنثی استفاده کرده و البته در هر جمله‌ای هم از یک عنصر مؤدبانه بهره جسته است؛ یعنی شاخص‌های «آقا» و «عمو» و جمله‌دعایی «ان‌شاءالله»، راهبرد ادب مثبت برای حفظ وجهه مخاطب‌اند، اما سطح ضمایر و افعال برابرند. این سازه نیز ساختاری مناسب است؛ البته با این قید که عناصر مؤدبانه در حد برقراری تعادل (معمولاً یک تا سه ترکیبی) آمده باشد.

۵. بیان به روش ادب منفی

هرگاه ارتباط منجر به تهدید و جبهه منفی مخاطب شود، گوینده با استفاده از راهبرد کلامی ادب منفی از قبیل کنش‌های کلامی (تشکر، عذرخواهی، فروتنی، تملطیف‌کننده) به خنثی کردن و ارتقای سطح به برابر یا فراتر از خود می‌پردازد.

– «عرض کردم: دیگه چه خبره؟» (همان: ۱۳۹).

این نمونه، سؤالی است؛ یعنی گوینده با طرح پرسش، وجهه منفی مخاطب را تهدید کرده و برای جبران از فعل سطح پایین مرکب (عرض کردم) استفاده کرده که ساختاری مناسب و پذیرفتنی است.

– «امروز با خواهرتون تشریف بیارید کافی‌شاپ روبه‌روی دانشگاه» (همان: ۳۱).

در این نمونه، کلام امری و تهدیدکننده است، اما با استفاده از ضمیر جمع (خواهرتون) و فعل مرکب سطح بالای (تشریف آوردن)، جنبه تهدید آن را خنثی کرده و به سطح برابر رسانده است و عناصر مؤدبانه نیز دو ترکیبی هستند. این ساختار نیز مناسب است؛ البته با این قید که عناصر مؤدبانه بیش سه ترکیبی نباشد.

۶. بیان غیرمستقیم

استفاده از عبارات مجازی و جملات در معنی ثانوی آن‌ها.

- «گفتم: کبکت خروس می‌خونه!» (همان: ۲۰).

- «مادر با جمله‌ای که نفهمیدم از سر مهربانی بود یا دلخوری، در جواب جمله ناجوانمردانه فرهاد ک "آقا دست خالی اومدن" گفت: "سالم و سربه‌راه باشه، کادو نمی‌خوام ازش"» (همان: ۱۱۰).

در ساختار غیرمستقیم، بیان مجازی و غیرحقیقی است و برای درک منظور گوینده با بافت‌های مختلفی از قبیل بافت زبان و موقعیت و مکان مواجهیم و ساختار بیان نیز ادبی است؛ پس، این نوع بیان، با وجودی که کاربرد دارد، چون عدول از اصل شیوه گرایس است و در راهبردهای براون و لوینسون هم محتاط‌ترین راهبرد برای پیشگیری از تهدید وجهه است و از طرف دیگر تمایل سخنگویان امروزی هم به سمت بیان مستقیم و خنثی است و اساس این بیان نیز بر معنی استوار است، از موضوع بحث ما خارج است و پیشنهاد هم نمی‌شود.

بر این اساس می‌شود گفت سه ساختار برای بیان‌های مؤدبانه، مناسب تشخیص داده شد و نوعی محک نیز برای این ساختارها داده شد و عدول از ساختارهای سه‌گانه مستقیم، ادب مثبت، ادب منفی که بنیان آن‌ها بر برابری و هم‌سطحی به دور از تهدید وجهه مشارکان استوار است، به هر دلیل و بهانه‌ای ناپسند است و پذیرفتنی نیست و منجر به بیان ناهنجار می‌شود که بیان متملقانه، یکی از بیان‌های ناهنجار است. معمولاً ساختار بیان متملقانه، از ترکیب بیش از سه عنصر مؤدبانه شروع می‌شود تا جایی که تمام عناصر و اجزای بیان، متشکل از عناصر مؤدبانه شود. بیان‌های متملقانه نه تنها وجهه خود گوینده را تهدید می‌کند، بلکه وجهه منفی مخاطب را هم تهدید می‌کند (البته مخاطب آگاه، تهدید شدن وجهه‌اش را می‌فهمد) و گوینده با عبارات متواضعانه خشک و اغراق‌آمیز، به زعم خودش، وجهه مثبت مخاطب را تقویت می‌کند، اما طبق نظر گرایس، گافمن، براون و لوینسون و سایر محققان، این عمل در هیچ جای دنیا پسندیده نیست و گوینده در نزد مخاطب و شنونده، اعتبار و حیثیت خویش را به مخاطره می‌اندازد.

نتیجه

- گرایش و تمایل سخنگویان زبان فارسی، امروزه به سمت استفاده از ساختاری هم‌سطح و برابر و راهبرد ادب مستقیم و مثبت است.

- ساختارهای سه‌گانه بیان‌های مؤدبانه و راهبردهای ادب مستقیم و ادب مثبت و ادب منفی، مناسب هستند.

- در ترکیب ساختارهای مؤدبانه، یک تا سه عنصر ادب، معمول و مقبول است.

- معمولاً ساختار بیان‌های مؤدبانه مستقیم، از ضمائر و افعال خنثی تشکیل شده و یک واژه شاخص در

ساختارشان هست و عناصر مؤدبانه و تلطیف‌گر خشک هم معمولاً در این نوع بیان کاربرد ندارند؛ یعنی یک ترکیبی است و به‌طور کلی دارای ساختاری عادی و غیرتملکی است و مشارکان هم احساس راحتی و صمیمیت می‌کنند.

- معمولاً در ساختار بیان‌های مثبت و منفی، تا سه عنصر مؤدبانه (سه ترکیبی) ملاحظه شده‌است.
- بیان متملقانه، ساختاری ناهنجار دارد؛ گوینده به زعم خودش با این نوع سخن گفتن وجهه مخاطب را بالا می‌برد، ولی تهدیدی برای وجهه خویش است.
- در ترکیب ساختار متملقانه، عناصر مؤدبانه بیش از سه مورد است، تاجایی که تمام عناصر و اجزای بیان، ترکیبی از عناصر مؤدبانه می‌شود.

منابع

- آذرپزند، سهراب (۱۳۹۸)، «تغییرات راهبرد زبانی خطاب براساس نظریه ادب براون و لوینسون بین استادان و دانشجویان ایرانی؛ مطالعه موردی: دانشگاه تهران». فصلنامه زبان‌شناسی/اجتماعی، دوره ۲، شماره ۲ (پیاپی ۶)، صفحات ۹۸-۷۳.
- آهنگر، عباسعلی؛ مجاهدی رضائیان، ستاره؛ اسفندیاریپور، فریبا (۱۳۹۹)، «بررسی تأثیر قدرت مخاطب بر گزینش راهبردهای ادب در کنش گفتاری نصیحت کردن در زبان فارسی». فصلنامه زبان‌شناسی/اجتماعی، دوره ۳، شماره ۲ (پیاپی ۱۰)، صفحات ۱۰۱-۸۵.
- افلاکی، شمس‌الدین احمد (۱۳۶۲)، مناقب العارفین، با تصحیحات و حواشی و تعلیقات تحسین یازجی، چاپ ۲، تهران، دنیای کتاب.
- خانیان، حمید (۱۳۹۲)، مدیریت زبان، گرگان، نوروزی.
- خدایی‌مقدم، معصومه؛ الیاسی، محمود؛ شریفی، شهلا (۱۳۹۶)، «توصیف و تحلیل چند واژه مؤدبانه و کارکرد آن‌ها در زبان فارسی در چارچوب نظریه ادب براون و لوینسون»، زبان‌پژوهی، سال ۹، شماره ۲۲، صفحات ۵۳-۲۵.
- درکیچ، منیر (۱۳۸۶)، «چرا خارجی‌ها تعارف فارسی را نمی‌فهمند؟»، نامه پارسی، سال ۱۲، شماره ۱ و ۲، صفحات ۴۲-۱۷.
- رحمانی، حسین (۱۳۹۳)، «نگاهی به قدرت و جنسیت از منظر ادب و بی‌ادبی در رمان‌های نوجوانان فارسی‌زبان». زبان و زبان‌شناسی، دوره ۱۰، شماره ۲۰، صفحات ۵۶-۳۱.
- سعدی شیرازی، مصلح‌الدین عبدالله (۱۳۶۸)، بوستان، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، تهران، خوارزمی.
- شرف‌زاده، محمدحسین؛ بنی‌زمانی، مجید (۱۳۹۷)، «کاربرد راهبردهای ادب توسط دبیران ایرانی در موقعیت کنش گفتاری پیشنهاد»، یازند، سال ۱۴، شماره ۵۲ و ۵۳، صفحات ۸۱-۵۷.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۴)، کلیات سبک‌شناسی، چاپ ۳، تهران، اندیشه.
- طوسی نصرآبادی، محمدرضا؛ زندی، بهمن؛ محمودی بختیاری، بهروز؛ قلی‌فامیان، علیرضا (۱۳۸۹)، «ادب زبانی در متون تعلیمی امام محمد غزالی»، پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، سال ۹، شماره ۱۷، صفحات ۲۳۷-۲۱۹.

کشوردوست، آذر (۱۳۹۲)، «بررسی اصول گرایش در داستان سیاوش در شاهنامه»، *زیباشناسی ادبی*، دوره ۴، شماره ۱۷، صفحات ۱۳۳-۱۵۴.

مدرسی تهرانی، یحیی (۱۳۸۶)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

نبویان، امیرعلی (۱۳۹۱)، *قصه‌های امیرعلی ۱*، چاپ ۱۰، تهران، نقش و نگار

یول، جورج (۱۳۸۵)، *کاربردشناسی زبان*، ترجمه محمد عموزاده مهدیرجی و منوچهر توانگر، تهران، سمت.

- Al-Shboul, Y. & Zarei, N. (2013). Gender differences in the appropriateness of advice-giving among Iranian EFL learners. *International Journal of Language Learning & Applied Linguistics World (IJLLALW)*. 3(4), 88-98.
- Borderia-Garcia, A. M. (2006). The acquisition of pragmatics in Spanish as a foreign language: Interpreting and giving advice. Doctoral dissertation. University of Iowa.
- Brown, P. & S. Levinson (1987), *Politeness: Some Universals in Language Usage*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Farashian, A. & Muthusamy, P. (2016). Pragmatic variations in giving advice in L2 by Malaysian postgraduate students: The situational effects. *English Language Teaching*, 9(5), 179-191.
- Goffman, E. (1967). *Interaction Ritual: Essays on Face-to-Face Behaviour*. Anchor Books, Nueva York.
- Hinkel, E. (1997). Indirectness in L1 and L2 academic writing. *Journal of Pragmatics*, 27(3), 360-386.
- Nwoye, Onuigbo G. (1992), Linguistic politeness and socio-cultural variations of the notion of face. 33-1756. *Journal of Pragmatics* no.18 (4):309-328.
- Levenston, E. (1975). Aspects of testing the oral proficiency of adult immigrants to Canada. *Papers on Language Testing*. 19(74),67-74.
- Searle, J. (1969), *Speech Acts*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Sifianou, M. (1992), *Politeness Phenomena in England and Greece. A Cross-Cultural Perspective*. Oxford: Clarendon Press.
- Ukosakul, M. (2005), "The Significance of Face and Politeness in Social Interaction as Revealed through Thai Face Idioms". *Broadening the Horizon of Linguistic Politeness*. R.T. Lakoff & S. Ide (eds). Amsterdam: John Benjamin's Publishing Company. pp. 117-128.
- Watts, R. J. (2003), *Politeness*. Cambridge: Cambridge University Press.